

انتخاب خودتان بود؟

نمایش ما در سلتی اجرایی بود که پیش از مانع‌نمایی دیگر در حال اجرا است، از این رومنتال‌سلفه این لیکن بر ایمان فراهم نبود که دکوری سنگین داشته باشیم که تمام جزئیات کفه را به نمایش بگذارد چون در واقع هر شب پیش از هر اجرا باید صحنه نمایش را بچینیم و با توجه به زمانی که برای انجام این کار در اختیار داریم، چیدن دکوری سنگین و پر جزئیات خیلی ممکن به نظر نمی‌رسد. ضمن این که سدن پردیس تئاتر شهر زاد بسیار طول و عریض است و این مسئله باعث می‌شود که با وجود اکسسوارهای بسیار، همچنان صحنه خیلی به نظر برسد، مادر بخش دکوریا چنین مسئله‌ای رویه رو بودیم اما در بخش‌های لباس و گریم سعی کردیم با جزئیات بیشتری فضای آن دهه را به ترسیم بکشیم.

نمایش شما در پردیس تئاتر شهر زاد که سلتی خصوصی است اجرای رود انتخاب شما برای اجرا از همان ابتدا اسلتی خصوصی بود؟ به نظر شما خصوصی شدن سلت‌های تئاتر توانسته تأثیری در رونق بخشی حوزه نمایش داشته باشد؟

باید بگویم که من با مقوله تئاتر خصوصی از همان ابتدا مسئله داشتم چون فکر می‌کنم که در ایران زیرساخت‌های لازم برای شکل‌گیری تئاتر خصوصی وجود ندارد. تئاتر خصوصی با این هدف بدعت گذاری شد که مسئله اخذ مجوز برای به صحنه رفتن آثار با سهولت بیشتری صورت پذیرد اما در نهایت نه تنها این اتفاق رخ نداد بلکه باعث شد کمک‌های و حمایت‌های ملی دولتی در بخش تئاتر هر روز کم‌رنگ‌تر از دیروز شود و عوامل و دست‌اندرکاران تئاتر دست‌خالی‌تر از همیشه شدند. البته امروز تعداد سلت‌ها به قدری افزایش یافته که دیگر مسئله خصوصی بودن یا نبودن سلت‌ها در بحث اجرا به‌بهرای روز و سلت معنی پیدامی‌کند، اما از آن جایی که به نظر می‌رسد سلت‌های دولتی تنها به‌عده‌ای خلص تخصیص می‌یابد اغلب نمایش‌های این که رنگ صحنه را ببینند مجبور هستند که به سمت سلت‌های خصوصی یا اجاره‌به‌ی سنگین روی بیاورند.

این روزها نشر ابطی به لحاظ اقتصادی در کشور حاکم است که به تبع آن ممکن است مخاطبان کمتری برای دیدن نمایش به سلت‌ها تاتر بیایند. در نتیجه نمایش نه تنها به سود نرسد بلکه نتواند هزینه‌های خودش را هم برداخت کند. در چنین شرایطی چه عملی شعار به سمت به اجرا بردن نمایش سوق می‌دهد؟

باید بگویم که این روزها در شرایطی بسیار سخت نمایش‌ها به صحنه می‌روند. در واقع عقل سلیم حکم می‌کند که در چنین شرایطی به سمت اجرای هیچ نمایشی نرویم، اما چیزی که همچنان تکتک اهلی تئاتر را به این عرصه سوق می‌دهد تنها جنون است. تئاتر و هنر نمایش بخش اعظم زندگی من است که

لنکلی را فراهم می‌آورد که برای می در فضایی آن بی‌سایم و حال خوبی را تجربه کنیم. نمایش من را به لحاظ روانی اغنمی کند و این تنها دلیل من برای اصرار به کار کردن در این شرایط است.

امیر غفار منش:

تئاتر پستری برای فرهنگ‌سازی است

امیر غفار منش، که سلیقه حضور در آثار نمایشی بسیاری را در کارنامه کاری خود دارد، این شب‌ها با نقش بیوک که روشنفکری است که در دهه پنجاه زندگی می‌کند و صاحب «کفه لکانطه» است، روی صحنه می‌رود. او در گفت‌وگو با صبا درباره نقش خود توضیحاتی را ارائه داد و از پتانسیل تئاتر در زمینه فرهنگ‌سازی گفت.

آقای غفار منش: در این نمایش شاهد نقش آفرینی متفاوتی از شما هستیم. نسبت به شخصیت‌پردازی برای یک روشنفکر و کفه‌دار در اوایل دهه پنجاه به خوبی آگاه هستید و بازی پر جزئیاتی را به مخاطب ارائه می‌دهید. کمی درباره نقش‌تان و چگونگی پیوستن به این نمایش توضیح می‌دهید؟

در این نمایش من نقش بیوک را ایفا می‌کنم که مردی پنجاه‌ساله است و در دهه پنجاه زندگی کرده و یک کفه را اداره می‌کند. نمایش «کفه لکانطه» جنس دیلوگ‌ها، فضا، موسیقی، علقی‌ها و فرقت‌های دهه پنجاه را به تصویر می‌کشد و به موازات قصه علقانه‌ای که دارد، از آن جایی که دهه پنجاه دهه انتقالت سلیسی است، به وقایع تاریخی آن روزگار هم نیم‌نگاهی می‌پردازد. من بیشتر یکی از نمایش‌نامه‌های علی اصغری با عنوان «خشت خام» را کار کرده‌ام و این ماجرا سبب آشنایی میان ما شد و تداوم این دوستی و ارتباط در نهایت به این همکاری در «کفه لکانطه» منجر شد. تا پیش از اجرای عمومی کار هم من چیزی در حدود یک و نیم ماه با گروه مشغول به تمرین بودم.

نقش‌هایی که در بستر زمانی و تاریخی خاصی روایت می‌شوند می‌توانند با چالش‌هایی برای بازیگر همراه باشند. زیر بازیگر باید نسبت به شمایل و زیست مردم در آن دهه آگاهی داشته باشد تا این پرش زمانی را در بیان، نحوه حرکت و حتی نوع نگاه خود به مخاطب ارائه دهد. برای ایفای این نقش با چالش خاصی رو به رو بودید؟

من برای ایفای این نقش چالش خاصی نداشتم، اما به صورت کلی، بازی کردن در کاری که مربوط به دوره زمانی خاصی است این چالش را به همراه دارد که بازیگر برای داشتن درک درست از شخصیت‌پردازی کاراکتر خود نیاز دارد که یا در عصری که نمایش آن را روایت می‌کند زندگی کرده باشد و یا در باره آن عصر تحقیق کرده باشد تا بتواند با پر دلختی درست در شخصیت‌پردازی، بیان، فرم و شیوه راه رفتن، و... وجه درستی از شخصیت را به مخاطب نشان دهد. باید بگویم که طراح لباس‌های نمایش برای مقوله انتخاب لباس کار تحقیقی گسترده‌ای را انجام داد تا در نهایت هم لباس و هم گریم بازیگران شبیه به انسان‌های آن دهه باشد. چنین رویکردی به اجرای درست شش‌ساعه زمانی کار بسیار کمک کرد.

در ترکیب بازیگران این اثر نام‌های متفاوتی دیده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین ارکان در ارائه نقش برای یک بازیگر شیوه تعامل و همکاری او با دیگر بازیگران کار است. گروه بازیگران یک کار می‌توانند با ایجاد وحدت، تعامل و همدلی باعث ارتقای سطح بازی‌های یکدیگر شوند و عدم همکاری بازیگران با هم می‌تواند منجر به خطاهایی شود که مخاطب را نسبت به تملش‌ای اثر دلزدده کند. همکاری و تعامل میان گروه بازیگران این نمایش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من فکر می‌کنم که ترکیب بازیگران این نمایش کنار هم اتفاق خوبی را رقم زده است. اجرای نمایش کاری گروهی است که هماهنگی میان بازیگران کار را طلب می‌کند و بازیگران باید با هم همدل باشند تا به هنگام وقوع بحران و اتفاقات غیر قابل پیش‌بینی با مدیریت که در صحنه نشان می‌دهند، از پس چالش‌ها بر بیایند و روایت درستی از قصه را پیش چشم مخاطب بیاورند و من فکر می‌کنم چنین رویکرد دو تملعی میان بازیگران این اثر دیده می‌شود و همه با هم دیگر همدل هستند.

این روزها بازی از نمایش‌های موزیکال بیشتر از هر وقت دیگری داغ شده است. نمایش شما نیز اثری موزیکال است. به اعتقاد شما تئاتر ایران تا چه میزان نیل مننده به صحنه رفتن از این قبیل از نمایش‌ها است و اجرای تئاترهای موزیکال تا چه میزان جاذبه‌آفرین است؟

من فکر می‌کنم که به‌تدریج دخت به نمایش‌های موزیکال فراهم است و همچنان برای رسیدن به سطحی ایده‌آل بسیار جا هست. خیلی اوقات نمایش، صرفاً با حرکات موزون اجرایی‌رود و یا در کنسرت‌ها شاهد پرفرمانی هستیم، اما بحث کنسرت نمایش و تئاتر موزیکال متفاوت است. تئاتر هنری محتوایی است و می‌تواند در دل بسیار از قصه‌ها اجرا را موسیقی باز کرد و با ایجاد فرصت موسیقایی چنین سبک از نمایش‌ها را بیش از پیش جالداخت.

نمایش شما از جنبه مخاطب با استقبال خوبی رو به رو شد. به اعتقاد شما چه عواملی در نمایش باعث این حجم از استقبال و رضایت تماشاگران شد؟

مخاطبان از نمایش «کفه لکانطه» بسیار استقبال کردند و من فکر می‌کنم این اثر نه‌تنها جای خودش را در میان مردم و مخاطبان پیدا کند، بی‌شک که قصه نمایش مقوله‌ای است که باعث جذب مخاطب می‌شود اما من فکر می‌کنم که حضور مهدی یغمایی هم در کار بی‌تأثیر نبوده و بسیاری از مخاطبان به خاطر حضور او به تملش‌ای این نمایش می‌تشنند.

در دل نمایش‌هایی که هر شب در شهر سطح اجرا می‌روند و همین‌طور در نمایش خود شما شاهد آموزش‌های فرهنگی‌ای هستیم که قابلیت این را دارند که مفاهیم مهم اخلاقی را به تماشاگر آموزش دهند. شما فکر می‌کنید تأثیرگذاری تئاتر بر مقوله فرهنگ یک جامعه تا چه میزان است و برای افزایش آن باید چه تمهیداتی را فراهم کرد؟

من اعتقاد دارم که کار فرهنگی مقوله‌ای بسیار تأثیرگذار و در واقع بستری برای فرهنگ‌سازی است. به همین سبب گمان می‌کنم که اگر تمهیداتی برای جذب مخاطب بیشتر به سمت سلت‌های نمایش‌دیده‌شده بستری برای ارتقای سطح فرهنگی کشور پدیدمی‌آید، برای مثال به نظر من می‌توان بیل‌ور نهایی را به صورت رایگان در سطح شهر برای تبلیغ نمایش‌هایی که روی صحنه هستند اختصاص داد تا به این شکل مردم وسوسه شده و بای به سلت‌های تئاتر بگردانند.

